

و کافران گذشته میخوانند پس گفتند یا رسول الله
 ما را قصه میباید که راست باشد و هیچ شکل در آن
 نباشد پس الله سبحانه و تعالی این سوره پر حکمت منزل
 کرد ایند و در معنی این سوره چند ان کتاب مطول
 نوشته اند و از بهر آنکه چندان معانی و اسرار گفته
 که حد و حصر ندارد اما این مکتبه بی بضاعت در
 آخر این باب نیات لطایفی چند بخاطر آمله و این
 قصه را مختصر بیان خواهیم کرد و لب ان معانی
 در قید کتابت خواهیم آورد و باقی بفهم فاهم
 اولوا الالباب خواهیم گذاشت **اول** بنام آنکس که هیچ
 چیز و هیچ کس سزای پرستش نیست الا ذات الله تعالی
 و رحمة عام او راست که مسلم و کافر از ان باز صیبا ^{مهربان}
 و رحمة خاص او راست همه نیکوکاران یعنی بخشیده و
 دیگر که درین حروف قطعات علم را چند قوال است
اول اعجاز قرآن و بعضی بر آنند که این ستر است که بخیر

خدای

خدای تعالی نداند و جمعی میگویند این اسمی است از اسماء الله
الف یعنی انا الله واری و اعلم **و لام** اشاره است
 بلطف خداوند و **لا** اشاره است بر حمت و دافه خدای
 و بعضی بر آنند که نام سوره است و جمعی میگویند که نام قرائت
وصاف کشف بر آنست ایقاص وقوع عصاست یعنی کسی
 که بخواب باشد و او را بیدار واکندند **نک** اشاره است
 بآیه **تاب کتاب المین** یعنی روشن و آکنده آنچه
 درین آیات و درین کتاب است و **الله سبحانه** و تعالی
 که این قصه یوسف بهترین همه قصصهاست یعنی درین
 قصه پس حکایت شکسته دلان هست **اول** غم یوسف
 که او را در چاه انداختند و **دیگر** زندان و کید زنان **سوم**
 فراق پدر دیدن **دیگر** حزن و اندوه یعقوب علیه السلام
 در فراق **یوسف** و این **پایان** **دیگر** سوز دل زنجار عشق
دیگر حال شکستگان و سوزگان قمر سالهای قیامت **دیگر**
 مقله برادران در پیش یوسف خواه همه طلب کردن قوت